اخلاق در حوزه

باطن روزه

آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی

باطن روزه به‌قدری نیرومند است که انسان را بر جهان طبیعت به اذن خدا پیروز می‌کند. در واقع باطن روزه به‌صورت لقای خدا ظهور می‌کند و برای انسان، همتی بالاتر از لقای حق وجود ندارد.

• نکوهش شکم‌بارگی

ماه مبارک رمضان فرصت مناسبی است برای پی بردن به اسرار عالم. باید به‌همان مقدار غذایی که نیروی انسان را تأمین کند، بسنده کرد. هیچ کس با پرخوری به جایی نمی‌رسد. در تعبیرات اخلاقی اسلام آمده است که: «ما ملأ آدمی وعاءً شراً من البطن»؛[1] انسان هیچ ظرفی را به بدی ظرف شکم پر نکرده است. شکم که پر شد، راه فهم مسدود می‌شود.. انسان پرخور هرگز چیزفهم نیست و هرگز به اسرار و باطن عالم پی نخواهد برد.

شکم‌بارگی، بی‌ارادگی و خمودی می‌آورد و رعایت اعتدال در خوردن، سلامتی، طول عمر و نورانیت دل می‌بخشد. خوردن بیش از حدّ، هم روح را سرگرم می‌کند تا غذای زاید، هضم شود و هم بدن را به سوخت و ساز بیشتری وادار می‌سازد و سرانجام انسان را زودتر از موعد از پا درمی‌آورد؛ نوعاً انسان‌های پرخور، عمر طولانی ندارند.

زیاده‌روی در خوردن، بر کسالت و خواب می‌افزاید. وقتی اصحاب رسول‌خدا ﷺ حضور آن‌حضرت شرفیاب می‌شدند، حضرت از آنان می‌پرسید: «هل من مبشّرات»؛[2] شب گذشته چه خوابی دیدید که موجب بشارت باشد؟ انسان می‌خوابد که چیز بفهمد؛ نه آنکه زیاد بخورد تا بیشتر بخوابد.

شخصی در محضر رسول خدا ﷺ آروغ زد. حضرت فرمود: کمتر بخور! شایسته نیست انسان آن‌قدر بخورد که وقتی در جمع دیگران نشسته، آروغ بزند: «أقصر من جشائک فإنّ أطول الناس جوعاً یوم القیامة أکثرهم شبعاً فی الدنیا»[3] گرسنه‌ترین افراد در قیامت کسانی هستند که در دنیا سیرترین افراد بودند.

در حالات امیرمؤمنان علیه‌السلام نقل شده که حضرت روزی به باغبانش فرمود: غذایی داری؟ عرض کرد: غذای ساده‌ای دارم که شایسته شما نیست. از کدوی بی‌روغن غذایی تهیه کرده‌ام. فرمود: حاضر کن! حضرت دستان خود را شست و آن غذا را میل فرمود. سپس به شکم خود اشاره کرد و گفت: شکمی که با این غذای ساده سیر می‌شود! بدا به حال کسی که شکم او وی را به آتش ببرد![4]

از برجسته ترین وظایف در ماه مبارک رمضان، آزاد شدن و رهیدن است. انسان باید این قفس‌ها و میله‌های پولادین را که با دست خود ساخته، بشکند.

راه آزادی، استغفار و طب آمرزش است. از این رو گفته‌اند: در شبانه‌روز چندین بار بگویید: «استغفر الله ربی وأتوب إلیه».[5] در نماز و غیر نماز برای خود و دیگران طلب آمرزش کنید؛ نه برای رهایی از آتش و نه برای رفتن به بهشت و متنعم شدن در آن؛ بلکه باید هدف بالاتر از این مسائل باشد.

• درجات تقوا و لقای حق

روزه برای این است که انسان به تقوا برسد: ﴿لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾[6] و انسان با تقوا دو درجه دارد: یکی همان بهشتی که در آن نعمت‌های فراوان موجود است: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ﴾[7] و این برای لذایذ ظاهری است. یکی هم مقام عنداللهی شدن است؛ ﴿فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾[8] در این مرحله دیگر سخن از سیب و گلابی نیست؛ چون جنت و نهر، مأکولات و مشروبات از آن جسم و بدن اوست؛ امّا لقای حق برای روح اوست. این سرّ و باطن روزه است.

انسان مگر نمی‌خواهد در آن عالم مُطیّب و معطّر باشد. آنجا که دیگر سخن از آهو و نافه آهو نیست که عطری داشته باشد. آنجا روزه است که انسان را معطّر می‌کند. باطن روزه به‌صورت عطر ظهور می‌کند؛ آن هم در سطح بدن و اما مافوق آن را خدای سبحان می‌داند که چیست؟

از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که اگر کسی در روز گرمی روزه بگیرد و تشنه شود، خدای سبحان هزار فرشته را موکّل می‌کند تا چهره او را مسح کنند و تا هنگام افطار به او بشارت دهند و هنگام افطار خداوند (عزّوجلّ) می‌فرماید: «ماأطیب ریحُک و روحک! یا ملائکتی أشهدوا أنّی غفرت له»![9] عجب معطری و چه بوی خوبی داری! فرشتگان من شاهد باشید که من او را آمرزیدم.

• پی‌نوشت‌ها

۱. بحارالأنوار، ج۶۳، ۳۳۰؛
۲. الکافی، ج۸، ص۹۰؛
۳. وسائل‌الشیعه، ج۱۶، ص۴۱۰؛
۴. الکنی والألقاب، ج۳، ص۱۳۸؛
۵. پیامبر ﷺ فرمود: «من هر شبانه‌روز هفتاد مرتبه استغفار می‌کنم»: (بحارالانوار، ج۱۷، ص۴۴).
۶. سوره بقره، آیه ۱۸۳؛
۷. سوره قمر، آیه ۵۴؛
۸. سوره قمر، آیه ۵۵؛
۹. روضة‌المتقین، ج۳، ص۲۲۸.

پرس‌و جو

چرا احکام حکومتی باید در اختیار ولایت فقیه باشد؟

از آنجا که در عصر غیبت، ولی‌فقیه جانشین امام معصوم علیه‌السلام است و متولّی و مسئول همه ابعاد دین و مجری همه احکام اجتماعی اسلام که در نظم جامعه اسلامی دخالت دارند، می‌باشد، احکام اسلام تا زمانی که به مقام عمل و اجرا در نیامده باشد، هرگز دچار تعارض و یا تزاحمی بین دو حکم نمی‌شوند؛ امّا وقتی در سطح جامعه پیاده می‌گردد؛ به‌طور طبیعی مواردی پیش می‌آید که در مقام اجرا دچار تزاحم گردند.

در چنین مواردی که تزاحم در اجرای احکام پیش می‌آید، طبق قاعده عقلی «تقدیم اهمّ بر مهم» لازم می‌شود.

رفع تزاحم از احکام اسلامی، کاری بسیار دشوار است و دو ویژگی را در شخص رهبر و حاکم اسلامی می‌طلبد؛ یکی آگاهی به زمان و مصلحت نظام اسلامی و دیگری، شناخت حکم مهم‌تر که در سایه اجتهاد مطلق فقیه و دیگر شرایط لازم او محقق می‌شود.

در این راستا ولی‌فقیه اگر حکمی از احکام را مانع اصل نظام اسلامی و مضر به حال مسلمانان دانست، موقتاً آن را تعطیل می‌کند و این دخالت در محدوده قانون‌گذاری و جعل احکام دینی نیست و فقیه نمی‌تواند به مصلحت خود آنها را کم یا زیاد کند و موظف است، پس از ارتفاع تزاحم، بلافاصله، حکم تعطیل‌شده را به‌اجرا درآورد.

حکم حاکم اسلامی و فقیه جامع الشرایط، همگی در حیطه اجرای احکام الهی است نه در اصل احکام؛ و اگر در موارد تزاحم، طبق حکم ولی‌فقیه، انجام یک واجب، بر ترک یک حرام مقدّم می‌شود، از باب تغییر احکام یا تقیید و تخصیص آنها نیست؛ بلکه به‌دلیل تزاحم و از باب مقدّم شدن حکم مهم‌تر و برتر بر حکم کم‌اهمیت‌تر است.

به‌عنوان مثال، حکم تاریخی میرزای شیرازی رحمه‌الله در حرمت استعمال تنباکو که گفتند: «الیوم استعمال تنباکو و توتون بأیّ نحوٍ کان، در حکم محاربه با امام زمان (صلوات‌الله وسلامه علیه) است»، به‌دلیل آن بود که در آن زمان، حلال بودن استعمال تنباکو، مزاحم حکم «وجوب حفظ اسلام و مسلمین از تسلّط و استیلای کافران» بود و اگر مردم بر اساس حلال بودن تنباکو، آن را استعمال می‌کردند، سبب تسلط کافران بر جامعه اسلامی می‌شد و به این جهت و به‌دلیل مهم‌تر بودن «وجوب دفع تسلّط کافران»، حلیّت تنباکو، به‌طور موقّت و تا زمانی که سبب استیلای کافران بود، تعطیل شد.

اگر طبیب حاذق و دلسوز، شخصی را از استفاده برخی خوردنی‌های حلال منع می‌کند و یا در موردی که علاج او منحصر در مصرف داروی نجس و حرام است، دستور خوردن آن را می‌دهد، در این موارد، آن طبیب، نه حلال را حرام کرده است و نه حرام و نجس را حلال و پاک گردانیده؛ بلکه او فقط ضرورت نخوردن حلالِ مشخّص یا خوردن حرامِ معیّن را بیان می‌کند و از روی اضطرار، خوردن یا نخوردن آن اشیاء را دستور می‌دهد و این دستورها، تنها در محدوده عمل است نه در محدوده علم و حکم شرعی.

فقیه جامع‌الشرایط نیز هیچ دخالتی در محدوده قانون‌گذاری و جَعْلِ احکام دینی ندارد و نمی‌تواند به مصلحت خود، آنها را کم یا زیاد کند.

آنچه در اختیار اوست، اجرای قوانین الهی است که اگر این قوانین بدون تزاحم قابل اجرا باشند، مشکلی وجود ندارد و هیچ حکمی از احکام الهی، حتی به‌صورت موقّت، تعطیل نمی‌شود؛ اما اگر اجرای یک قانون، منجر به تزاحم آن قانون با قوانین دیگر شد، ولی‌فقیه، بر اساس مصلحت نظام اسلامی و نیز بر اساس جایگاه هر حکم از نظر اهمیّت، حکم برتر و مهم‌تر را مقدّم می‌دارد و آن را اجرا می‌کند و حکم مزاحم با آن را به‌طور موقت و تا زمانی که تزاحم وجود دارد، تعطیل می‌نماید و پس از رفع تزاحم، بلافاصله، حکم تعطیل‌شده را به‌اجرا در خواهد آورد.

از این‌رو، حاکم اسلامی در عصر غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، همانند دیگر مسلمانان، بنده محض و تسلیم مطلق قوانین خداست و برای اجرای همه جانبه آن قوانین تلاش می‌کند و اگر در موارد تزاحم، یکی از احکام را تعطیل می‌کند، اوّلا بر اساس قاعده عقلی و نقلی «تقدیم اَهمّ بر مهم» است و ثانیاً تعطیلی حکم، به‌معنای اجرا نشدن آن به‌طور موقّت است و هیچ‌گاه سبب تغییر در احکام خداوند نمی‌شود.

ولی‌فقیه، موظف است نظام اسلامی را برای اجرای احکام تشکیل دهد و برای این منظور، اگر حکمی از احکام را مانع اصل نظام اسلامی و مضر به حال مسلمانان دانست، موقتاً آن را تعطیل می‌نماید[1] و این، همان است که امام خمینی رحمه‌الله در یکی از بیانات خود فرمودند:

«حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله ﷺ است، یکی از احکام اوّلیه اسلام است و مقدّم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است. حاکم، می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است، خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند؛ حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضرار باشد، درصورتی‌که رفع، بدون تخریب نشود، خراب کند. حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام، باشد، یک‌جانبه لغو کند و می‌تواند، هر امری را چه عبادی و یا غیرعبادی که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن، مادامی که چنین است، جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج که از فرائض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست، موقّتاً جلوگیری کند».[2]

بنابراین، حکم حکومتی، حکمی است که حاکم اسلامی برای حل دشواری‌ها و تنگناهایی که برای حکومت و جامعه اسلامی پیش می‌آید، بر اساس مصالح یا مفاسد موجود صادر می‌نماید.[3]

به‌تعبیر دیگر حکم حکومتی، اختیاری است که شارع برای رفع مشکلات و تنگناهایی که ممکن است، برای جامعه اسلامی پیش آید، برای حاکم اسلامی جعل کرده است.

این اختیار برای حاکم مشروع که مأذون از طرف شارع مقدس است، جعل شده است؛ نه برای شخص دیگر چون از بر اساس تفکر شیعی در زمان غیبت، فقط فقیه عادل مأذون از طرف امام علیه‌السلام برای تشکیل حکومت است و دیگر افراد و اشخاص که در رأس امور قرار می‌گیرند، مشروعیت خود را از ولی‌فقیه عادل می‌گیرند. از این رو به غیر از ولی‌فقیه عادل، کس دیگر حق صدور حکم حکومتی را ندارد.

البته حکم حکومتی زمانی صادر می‌شود که اولاً راه‌های قانونی و عادی در آن مورد پیش‌بینی نشده باشد.

ثانیاً در راستای مصلحت عموم و جامعه باشد.

ثالثاً حاکم اسلامی با کسب مشورت و تحصیل ملاک و اهمیت موضوع، حکم حکومتی را صادر کند. رابعاً در چارچوب شریعت باشد نه خارج از آن.

منبع: مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمیه قم

• معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر

- جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه و لایت فقاهت و عدالت، قم: مرکز نشر اسرا، ۱۳۸؛
- صفر لکی، شمس‌الله، فراتر از فتوا، جایگاه احکام حکومتی در حکومت دینی، قم: عصمت، ۱۳۸۱؛
- منصوری لاریجانی، اسماعیل، ولایت، حکومت حکیمانه، قم: خادم‌الرضا علیه‌السلام، ۱۳۸۲؛
- حسین‌زاده، محمد، مبانی معرفت دینی، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۸۱.

• پی‌نوشت‌ها

۱. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه و لایت فقاهت و عدالت، قم: مرکز نشر اسرا، ۱۳۸۵، ص ۲۴۷-۲۴۶؛
۲. صحیفه نور، ج۲۰، ص ۱۷۰؛
۳. حسین‌زاده، محمد، مبانی معرفت دینی، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۸۱، ص۹۶.

معرفی کتاب

• ماه مبارک رمضان، مکتب عالی تربیت و اخلاق

نویسنده: لطف‌الله صافی گلپایگانی

کتاب حاضر که به‌قلم فقیه وارسته، حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمه‌الله به رشته تحریر درآمده، پیرامون آثار این ماه عظیم سخن می‌گوید.

این کتاب آکنده از نکات جالب و جذاب تفسیری، حدیثی، تربیتی و اخلاقی است و خواننده، مطالب نافع و سودمندی را درباره ماه مبارک رمضان و آثار این ماه به دست می‌آورد.

این کتاب، راهنمای خوبی برای همه خوانندگان و افرادی است که خواهان منبعی مفید درباره اخلاق اسلامی و ارتقای سطح معرفت و آگاهی خود در این زمینه هستند.

قلم کتاب، روان و مطالب آن، دارای چینش منطقی و دقت علمی خوبی است و مستندات به‌خوبی با ذکر آدرس ذکر شده‌اند و کثرت استفاده از آیات و روایات و حکایات اسلامی از ویژگی‌های برجسته این اثر است.

اثر مزبور مشتمل بر شانزده باب است که عبارتند از:

باب اول، درباره فضیلت ماه مبارک رمضان در خطبه رسول خدا ﷺ، باب دوم، درباره روزه، ندای الهی است که شرحی بر آیه ۱۸۳ سوره بقره است. باب سوم، درباره ماه رمضان، ماه نزول قرآن است که در آن مطالب متنوعی درباره قرآن آمده است... و سرانجام باب شانزدهم درباره عید سعید فطر است.

• سینای نیاز

نویسنده: جواد محدثی

این کتاب، شرح‌گونه‌ای بر دعاهای سی‌روز ماه مبارک رمضان است. سبک قلم، ادبی، عرفانی و کمی صمیمی است و برای قشرهای جوان، جالب و گیراست و مقدمه کوتاهی هم درباره نیایش دارد. در قسمتی از مقدمه آمده است:

کاروانی از نور، روان است؛ به‌سرعت برق می‌گذرد؛ به‌تابندگی خورشید؛ به‌سرشاری چشمه‌ساران؛ به‌برکت رمضان... و فقط یک «لحظه» بیداری، کار عمری را می‌سازد و یک «آن» توجه، برکت‌های سالیان را به‌همراه دارد. آنچه لازم است، «توجه» است و هشیاری!

• مراقبات ماه رمضان

نویسنده: محمد محمدی ری‌شهری

این کتاب در پنج بخش تدوین شده که عبارتند از: از فضایل ماه خدا، آمادگی برای میهمانی خدا، آداب میهمانی خدا، شب قدر و آداب بیرون آمدن از میهمانی خدا.

در بخشی از پیش‌گفتار این کتاب آمده است: خداوند سبحان، در این ماه، میهمانی ویژه‌ای را برای تربیت روح، به‌گونه‌ای ترتیب داده که می‌تواند، در حیات معنوی انسان تحوّلی پدید آورد و او را به سعادت ابدی برساند. نکته مهم در این مسیر، آن است که انسانی که می‌خواهد، به دنیای این ضیافت گسترده وارد شود، بداند به کجا می‌رود، معنای میهمانی الهی چیست و چگونه باید وارد آن شود.

لازم به ذکر است که چاپ هفتم کتاب «مراقبات ماه رمضان»، به زبان فارسی منتشر شده است. این کتاب را آیت‌الله ری‌شهری رحمه‌الله با همکاری «رسول افقی» تألیف کرده و استاد «جواد محدثی» آن را ترجمه کرده است.

• اخلاق روزه

نویسنده: امام موسی‌صدر

در پیش‌گفتار این کتاب آمده است:

اخلاق روزه، عنوان دیگری از مجموعه پرتوهاست که برخی دیدگاه‌ها و تجربیات معرفتی امام موسی‌صدر را در پیوند با روزه، منعکس می‌کند. تنوع مطالب این کتاب، به‌سبب تنوع شرایط زمانی و مناسبت‌های تاریخی و جغرافیایی است که وی برای توضیح آنها سخن گفته است؛ اما در عین تنوع مطالب، کتاب، وحدت و انسجام موضوعی دارد؛ زیرا از دیدگاه‌های مختلف، روزه و معانی، ابعاد و تأثیرات و جلوه‌های آن را در طول زمان، بیان می‌کند.

فهرست کتاب بدین شرح است:

روزه، تمرین جهاد، شأن امت و سرنوشت او، اخلاق پیروزی، زکات فطر، پس از عید، از تولد و حضور، از بودن و غیاب.

• پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی، ویژه ماه مبارک رمضان

نویسنده: گروه مؤلفان اداره مشاوره نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

این کتاب که نهمین کتاب از مجموعه کتاب‌های «پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی» است؛ به‌وسیله گروه مؤلفان مرکز مشاوره نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، در چهار بخش تألیف شده که عبارتند از: ۱. ماه مبارک رمضان، ۲. تاریخ و سیره، ۳. فلسطین و قدس، ۴. احکام ماه رمضان

در بخش اول، مطالبی درباره ماه مبارک رمضان، روزه، قرآن، شب قدر، دعاهای ماه مبارک رمضان و... آمده است.

در بخش دوم، حوادث تاریخی مربوط به این ماه بیان شده‌اند.

بخش سوم، مربوط به فلسطین و قدس است و در بخش چهارم، احکام مربوط به ماه مبارک رمضان آمده است.

اشتراک افق حوزه
۰۲۵-۳۲۹۰۰۵۳۶
۰۹۱۹۶۹۱۴۴۵۰